

قانون شریعت و جهانی سازی اسلام سیاسی فرح ظاهری

دانشگاه تورنتو - آگوست 2005

جمعه 12 آگوست بیش از 400 تن در سالن دانشکده علوم زمین شناسی دانشگاه تورنتو گرد آمدند تا به سخنان ایان هرسی علی، ارشاد منجی و هما ارجمند، زیر نام کمپین علیه دادگاه های شریعه در تورنتو گوش سپارند.



این کنفرانس به دلیل حضور ایان هرسی علی، نماینده پارلمان هلند زیر تدابیر شدید امنیتی برگزار شد.

هرسی علی نویسنده و تهیه کننده فیلم "تسلیم" است که کارگردان آن تتو ونگوگ چندی پیش به دست یک مسلمان افراطی در هلند کشته شد. از سوی دیگر موضوع کنفرانس خود حساسیت برانگیز بود و به همین دلایل حضور افراد محافظ و امنیتی بسیار گسترده بود.

ایان هرسی علی: همه مذاهب در ذات خودشان تبعیض بین زن و مرد را دارند نه تنها اسلام بلکه مسیحیت، یهودیت، بودائیسیم و همه مذاهب

ساعت شش و نیم بعد از ظهر قبل از شروع جلسه رسمی، کنفرانس مطبوعاتی با حضور ایان هرسی علی و هما ارجمند برگزار شد که تقریباً CBC, CTV, Global TV, Omni TV, PBS, Globe and Mail, NOW Magazine, Reuters, Toronto Star, Vogue و شهروند در آن حضور داشتند.

ایان هرسی علی در سال 1967 در موگادیشو پایتخت سومالی به دنیا آمده است. به دلیل فعالیت های سیاسی پدرش مجبور شد همراه خانواده از کشور بگریزد و به عربستان سعودی برود. آنها سپس به اتیوپی و از آنجا به کنیا رفتند؛ جایی که ایان دوره دبیرستان را در آنجا گذراند. در سال 1992 به یک ازدواج پستی با پسرعمویش که در کانادا زندگی میکرد و خانواده برایش ترتیب داده بودند تن داد اما هنگام سفر به کانادا در فرودگاه فرانکفورت به جای این که سوار هواپیمایی که به کانادا میرفت شود، با ترن به هلند رفت همانجا ماند. ایان در آنجا به دانشگاه رفت و در رشته علوم سیاسی از دانشگاه لیدن فوق لیسانس گرفت. سالیان بسیاری به عنوان مترجم برای اداره مهاجرت کار کرد. و بعد از سوی حزب لیبرال هلند به نمایندگی در از دیدگاههای سنتی The Son Factory پارلمان رسید. او در کتابش به نام اسلام نسبت به جایگاه زنان در جامعه و همچنین از برخی اعمال نظیر ختنه زنان که در سومالی و چند کشور دیگر آفریقایی طبق سنت های فرهنگی (و نه مذهبی) هنوز هم اعمال میشود، انتقاد کرده است. بعد از انتشار این کتاب ایان نامه های تهدیدآمیز بسیاری دریافت کرد به طوری که مجبور شد تحت محافظت پلیس زندگی کند و حتی خانه اش به یک پایگاه نظامی در آمستردام منتقل شد.



هما ارجمند

سال 2004 با همکاری با تتو ونگوگ فیلمساز جنجالی هلند، فیلم "تسلیم" را ساخت که موجب شد ونگوگ در دوم نوامبر همان Submission سال به دست محمد بوری، یک جوان افراطی مسلمان کشته شود. از آن به بعد محافظت از جان ایان هرسی علی تشدید شده که در این کنفرانس نیز ما شاهد بودیم.

ارشاد: اگر در کانادا "منشور حقوق" برای همه وجود دارد و اگر قانون خانواده شریعه با آن مورد تضاد قرار بگیرد "منشور" مورد اعمال قرار میگیرد

ایان در پاسخ به پرسشهایی درباره تفسیر از قرآن گفت: بعضی ها میگویند از قرآن و انجیل سوء تفسیر شده اما بنیادگراها میگویند سوء تفسیری وجود ندارد. اگر در قرآن میگوید زنی را که اطاعت نمیکند باید زد، باید طبق دستور قرآن رفتار کرد. ولی زنان شجاعی جنبش را شروع کرده اند که میگویند اینطور نیست و تمام اینها بستگی به تفسیر شما از قرآن دارد.

ایان در پاسخ به این پرسش که "تنش های کنونی بین مسلمانان و هلندی ها، خصوصا آمستردام که شما در آنجا هستید، چیست؟" گفت: تنش بین مسیحیان و مسلمانان نیست، بلکه بین اقلیت هاست. و این نه تنها در آمستردام که در شهرهای بزرگ هلند مانند اوتریخت، نوتردام و ... هم دیده میشود.

او گفت: در هلند هنوز اقلیت ها دختران را ختنه میکنند.

ایان در پاسخ به پرسشی درباره هدف این کمپین گفت: هدف جداسازی مذهب و دولت در قوانین اساسی است و از آنجاست که میتوان از حقوق زنان و کودکان بر طبق قانون دفاع کرد. دولت ها در دموکراسی های غربی باید از حقوق اقلیت ها از جمله زنان و کودکان حمایت کنند و زنان مسلمان از جمله این اقلیت ها هستند.

یکی از خبرنگاران از ایان پرسید: "بعد از کشته شدن ونگوگ آیا احساس امنیت میکنید؟" او گفت: به عنوان یک زن اقلیت مسلمان باید برای محافظت از خودم مبارزه کنم (با اشاره به محافظان اطراف) به این شکل!

هرسی علی در رابطه با وضعیت زنان مسلمان در هلند گفت: خشونت علیه زنان در هلند پنهان میشود. زنی، دیگر به سر کار نمی آید و تو نمی فهمی که چه شده، زنی می آید با کبودی های بسیار در بدن، زبانی که شوهرانشان بدون توافق آنها طلاقشان داده اند. من به عنوان یک زن مسلمان اگر مجبور شوم که ازدواج کنم و بروم پیش پلیس به من میگویند این فرهنگ شماست.

هرسی علی چندین بار در پاسخ به پرسش هایی که از تبعیض بین زن و مرد در اسلام پایه میگرفت، تأکید کرد: همه مذاهب در ذات خودشان تبعیض بین زن و مرد را دارند نه تنها اسلام بلکه مسیحیت، یهودیت، بودائیسیم و همه مذاهب.

ایان گفت، برای مبارزه با بنیادگرایی به یک ایده جهانی نیاز است و آنهایی که به لیبرال دموکراسی اعتقاد دارند باید همواره برای این مبارزه کنند. هر کس که به دموکراسی اعتقاد دارد باید تلاش کند که قوانین اسلام وارد حکمیت خانواده نشود.

او در جایی دیگر گفت، در جامعه اسلامی از مشکلات صحبت نمیشود و همیشه مشکلات پنهان میشوند چون موضوع ناموس و آبرو مطرح است.

ایان در پاسخ به این پرسش که "آیا شما مسلمان هستید؟" گفت: "من با تعالیم اسلام بزرگ شدم، ولی الان سکولار هستم."

نحوه پاسخگویی هرسی علی، آرامشی که در صدایش بود و متانتی که در رفتارش، باعث میشد که تو فکر کنی هیچکس با هیچ پرسشی نمیتواند او را پرخاشگر و عصبانی کند.

در اینجا یک ساعت کنفرانس مطبوعاتی تمام شد و تنفس کوتاهی داده شد تا بقیه افرادی که میخواستند در جلسه عمومی کنفرانس شرکت کنند وارد سالن شوند.

گرداننده برنامه، از ایان هرسی علی Ernie Enola سالن تقریباً پر شد و آقای خواست که سخنرانی خودش را ارائه کند. ایان گفت به جای سخنرانی ترجیح میدهد جلسه را به پرسش و پاسخ با حاضران اختصاص دهد که

بلافاصله صفی طولانی تشکیل شد تا یک یک پرسش هایشان را مطرح کنند.

اولین پرسش کننده جوانی بود که پرسید: "آیا شما عربی بلد هستید." ایان گفت: سابقاً من عربی صحبت میکردم ولی الان ترجیح میدهم انگلیسی صحبت کنم. پرسش کننده گفت: در قرآن نوشته اگر همسرت تمکین نکرد او را بزنی بلکه نوشته ترکش کن. ایان گفت: برای من حتی اگر هم چنین نوشته باشد، این است که چرا نوشته زن مرد را ترک کند. چرا در هر کشوری که بر طبق قانون شریعه اداره میشود زنان نمیتوانند منصب های قضاوت داشته باشند؟ چرا در این کشورها زنان جنس دوم محسوب میشوند؟ من اعتقاد به تساوی زن و مرد دارم.

خانمی عرب با حجاب اسلامی پشت میکروفن قرار گرفت و گفت: "زنان مسلمان نمیتوانند که اسلام چه آزادیهایی به آنها داده است و من فکر میکنم آنها باید اینها را بدانند. من خودم پزشکم و در یک خانواده خوب با همسری همراه که به من احترام میگذارد زندگی میکنم."

ایان گفت: "خوش به حال شما. ولی میلیونها دختر 9، 10، 11 ساله در سراسر جهان مجبور به ازدواج میشوند با این حرف که پیغمبر با عایشه کم سن ازدواج کرد. فقط به این خاطر که نگذارند آنها مدرسه را تمام کنند."

حسام شکری آنچنان که خود را معرفی کرد یک عراقی ساکن تورنتوست که به تازگی از سفر عراق بازگشته، او گفت: برای میلیونها زنی که در عراق زندگی میکنند موضوع سر زبان قرآن و این که چه گفته، نیست. وضعیت اسفناک آنها یک واقعیت است که هرروزه آن را لمس میکنند. زنان اولین قربانیان وضعیت موجود در عراق هستند و الان میخواهند برای آنها قانون شریعه بگذارند.

در پایان پرسش و پاسخ با ایان هرسی علی، او گفت: به عنوان یک عضو حزب لیبرال پارلمان هلند پیشنهادم این است که ما باید برگردیم به ریشه لیبرالیسم. ریشه لیبرالیسم یعنی ساختن دولتی که آزادیها و حقوق افراد را تأمین کند و بین زن و مرد تساوی برقرار باشد. آزادی من تا آزادی تو محدود است و هیچ اعتقاد معنوی نباید برتر از اعتقاد دیگری شمرده شود.

نویت به ارشاد منجی رسید. ارشاد در سال 1969 در اوگاندا به دنیا آمده اما ریشه او پاکستانی ست. وقتی دولت عیدی امین آسیایی تبارها را بیرون میکرد، مجبور شدند که اوگاندا را ترک کنند. در سه سالگی همراه خانواده به کانادا مهاجرت کرد. از دانشگاه بریتیش کلمبیا در رشته تاریخ با درجه ممتاز فارغ التحصیل شد و به دلیل موفقیت تحصیلی اش نشان طلای فرماندار کانادا را دریافت کرد. او بعدها به تلویزیون راه یافت و بین سالهای 98 تا 2001 در "سی تی وی" شد. Q Files مجری برنامه

است که در *The Trouble with Islam Today* ارشاد نویسنده کتاب پرفروش آن انتقادهای خود را به اسلام بنیادگرا مطرح کرده است. او همچنین مجری است. ارشاد بسیار صریح الهجه است و انتقادات *Big Ideas* شوی تلویزیونی خود را به اسلام بدون محافظه کاری و مصلحت گرایی بیان میکند. ارشاد از جنبه های دیگری هم شهرت دارد. او یک فمینیست و لژیون است که از حقوق همجنس گرایان هم دفاع میکند. اما امروزه جنبه ضدبنیادگرایی اسلامی او پررنگ تر از دیگر جنبه های اوست به طوری که نیویورک تایمز او را "بدترین کابوس اسامه بن لادن" خوانده است.

ارشاد درباره قرآن و مسائلی که در آن به نفع و به ضرر زن بیان شده گفت و افزود: کاپتالیسم، کمونیسم، اسلام و ... همه در تئوری عالی هستند ولی

در واقعیت چیز دیگری هستند.

بر طبق "رسم شرف قبیله ای عرب" زندگی زن در دست خودش نیست، بلکه در دست گروه بزرگتری است. دختر نیجریه ای 16 ساله که قبل از ازدواج سکس داشته باید 180 ضربه شلاق بخورد.

ممکن است بعضی ها بگویند اسلام اعتقاد است و "شرف" رسم. میگویند جنایاتی که به اسم شرافت و ناموس انجام میشود ربطی به اسلام ندارد و سنت است ولی واقعیت این است که صدها سال است سنت و اسلام باهم ادغام شده اند.

زنها در فرانسه از داشتن حجاب منع شده اند. اگر آنها از این قانون تبعیت کنند مورد آزار، اذیت و شکنجه مردان جامعه خودشان قرار میگیرند که آنها این عمل را با اسم "شرف و ناموس" انجام میدهند.

اگر دختر من مورد تجاوز یکی از افراد فامیل قرار بگیرد طبق قوانین کانادا جرم واقع شده ولی طبق قانون شریعه قربانی مجرم است.

اگر در کانادا "منشور حقوق" برای همه وجود دارد و اگر قانون خانواده شریعه با آن مورد تضاد قرار بگیرد "منشور" مورد اعمال قرار میگیرد. سؤال من این است پس دیگر برای چه این قانون شریعه باید باشد؟

او همچنین نکته دیگری را در رابطه با مسلمانان گفت. صدها سال است که میلیونها مسلمان مورد تجاوز و شکنجه و قتل از سوی دیگر مسلمانان قرار گرفته اند، نه از سوی افراد سایر مذاهب.

پس از سخنان ارشاد، آقای ارنی انولا کتاب ارشاد را به حضاران نشان داد و گفت: این کتاب در بیرون برای فروش گذاشته شده ولی عوایدش تماما به این کمپین اختصاص دارد و برای نفع شخصی نویسنده نیست و حضاران را تشویق به خرید کتاب کرد.

در بین تنفس کوتاه تمام کتابهای ارشاد به فروش رفت و او هم کتاب را برای خریداران امضا کرد.

نویت به هما ارجمند رسید. هما ارجمند برگزارکننده این کمپین است که برای مبارزه با برپایی دادگاه های خانواده بر طبق احکام اسلام موسوم به دادگاه های شریعت به راه انداخته است. او میزبان ایان هرسی علی و ارشاد منجی بود و با زحمات زیادی این کنفرانس را به نحو احسن ترتیب و برگزار کرد.

هما ارجمند در سال 1952 در ایران به دنیا آمده است. در 17 سالگی فعالیت سیاسی و اجتماعی را شروع کرد. در انگلستان پزشکی خواند و در بسیاری از کالج ها و دانشگاه ها تدریس کرده است. او از سال 1970 به فعالیت و مبارزه برای حقوق زنان روی آورد. در زمستان 1989 به دلیل فعالیت هایش از ایران فرار کرد در حالی که دخترش یک ساله و پسرش 6 ساله بود. از سال 1990 در کانادا اقامت دارد و برای حقوق زنان و کودکان و همجنس گرایان مبارزه میکند.

هما ارجمند با روزنامه ها و کانال های تلویزیونی بسیاری در زمینه دادگاه های شریعه مصاحبه کرده و در همین رابطه کنفرانس ها و سخنرانی هایی برپا داشته و در آنها شرکت کرده است.

هما ارجمند ضمن تشکر از سخنرانان میهمان، سخنرانی خود را ایراد کرد.

ترجمه بخشی از سخنان او را در زیر میخوانید:

من هم میخواهم در مورد احکام اسلامی و جهانی شدن اسلام سیاسی صحبت کنم...

ما در ادبیاتمان بر خلاف رسانه ها و دولتها از اسلام سیاسی صحبت میکنیم و آن را به عنوان جنبشی میبینیم که کاراکترهای معینی دارد که به راحتی میتوان آن را تمیز داد. ما نمیگوییم فاندمنتالیسم و رادیکال اسلامی و غیره. چرا که این ترم ها تعریف کامل و روشنی از جنبشی که من میخواهم بدان بپردازم نمیدهد. فاندمنتالیسم عموماً به جریانی گفته میشود که بیشتر به یک سکت شباهت دارد و یا جریانی که به اصولی وفادار است که مبانی تعریف آن در بدو امر و در هنگام شکل گیری بوده است. به این معنی هر جریان اسلامی فاندمنتال است چرا که در اصول، فرامین و قوانین آن هیچگونه تغییری در طول تاریخ صورت نگرفته است. ثانیاً گروههای اجتماعی میتوانند فاندمنتال باشند (البته از نوع غیر اسلامی آن) ولی در سیاست دستی نداشته باشند. در این زمینه میتوان نمونه های بسیاری داد. ما میگوییم اسلام سیاسی چرا که جنبشی که این چنین امروز در مقیاس جهانی خطری جدی برای بشریت متمدن به وجود آورده، هدف اساسی اش گرفتن قدرت سیاسی است و یا در آنجایی که فاقد قدرت است، گسترش نفوذ سیاسی خودست. این جنبش با گرفتن حکومت در ایران در هنگام انقلاب 79 تشخیص داد که میتواند و باید با دخالت در امر سیاست اهداف اجتماعی، فرهنگی و مذهبی خود را به پیش برد چرا که تنها در این صورت است که میتواند خیلی آسانتر و در مقیاس میلیونی خود را به جامعه تحمیل کند. این جنبشی است که خود را سوار بر توده مردمی میکند که شدیداً در محرومیت به سر میبرند، ایزوله شده اند، از تحقیر و سرکوب به ستوه آمده اند و هیچ آلترناتیو مدرن، ترقی خواه، آزاده و رادیکالی را هم جلوی روی خویش نمیبینند. این جنبش با مشخصاتی چون ضدیت با غرب و نه الزاماً با دولتهای غربی بلکه اساساً با فرهنگ مترقی که در غرب همه گیر است، ضدیت با حقوق زنان، ضدیت با چپ، ضدیت با دیگر مذاهب، ضدیت با هر گونه تفکر غیر مذهبی ظاهر میشود. این جنبش برای پیشبرد اهداف خویش و برای کسب سلطه و یا حفظ آن از هیچ گونه سرکوب و کشتاری پرهیز نمیکند. به یک معنی آنچه که مسیحیت در قرون وسطی انجام داد را اسلام سیاسی در دوران حاضر به پیش میبرد.

تروریسم در واقع از بی ربطی آن به دنیای معاصر برمیخیزد، از بی ربطی آن با ترقی خواهی برمیخیزد، از این که این جنبش هیچ برنامه اقتصادی و اجتماعی ندارد، از آنجایی برمیخیزد که میدانند هر نوع دموکراسی در کشورهایی چون ایران، عراق، پاکستان و مصر یعنی سر برآوردن چپ، کارگر و قدرت گرفتن جنبش رفاه و عدالت اجتماعی و زندگی مدرن از نوع غربی.

سر برآوردن این جنبش به این خاطر بود که آلترناتیوی باشد در مقابل آزادیخواهی و عدالت خواهی مردم. از این رو در قاموس آن جز سرکوب و کشتار نمیبینید. این جریان در ایران از بدو روی کار آمدن به ترور و کشتار مردم دست زد و تا حال نیز ذره ای از این قساوت خود نکاسته است. حتی در عربستان سعودی اگر چند روز در آن کشور دموکراسی واقعی برقرار باشد حکومت شیوخ در آنجا نمیتواند بر سر کار بماند. اینجاست که به حکمت به کارگیری فاندمنتالیسم نزد رسانه ها و دولتها در غرب پی میبرید. اگر خوب توجه کنید از نظر آنها فاندمنتال آن جریانی است که متحد دول غربی نیست و از سیاستهای غرب در منطقه حمایت نمیکند و یا در ضدیت با آن میباشد. همانطور که میبینید این تعریف بخش اعظم گروهها، احزاب، شخصیتها و دولتهایی را که از مردم خود انتقام میگیرند، سرکوب میکنند و یا در محرومیت نگه میدارند را در بر نمیگیرد. تروری که این جنبش در خارج از مناطق نفوذش به کار میگیرد تنها گوشه کوچکی از تهاجمی است که این جنبش به بشریت

وارد میکند. چرا که در امریکا و اروپا اینها ابزار قدرت را در دست ندارند تا با اتکا به قانون، ارتش و پلیس بتوانند مخالفان خود را به دار بکشند و یا شکنجه کنند. از این رو با زبونی تمام از مردم بیگانه که در حال کسب و کار و مدرسه رفتن هستند قربانی میگیرند.

یک مسئله مهم دیگر را هم باید در اینجا روشن کنم و آن این که وقتی ما از جنبشی به نام اسلام سیاسی صحبت میکنیم مرز بسیار روشنی با همه آنهایی که اولاً این جنبش را بر اساس موافقین و مخالفین سیاست خود تقسیم میکنند، میکشیم. ثانیاً مرز روشنی با گروههایی که مردم عادی مسلمان را با گروههایی متعلق به این جنبش سیاه قاطی میکنند ایجاد میکنیم. اسلام سیاسی همچون فاشیسم آلمان است. هیچ کس تا حال فاشیسم را با مردم آلمان یکی نکرده است. ما هم نمیکیم و همه کسانی که چنین میکنند را هم افشا خواهیم کرد. اما در عین حال ما مردم یک کشور را هم بر اساس مذهب هویت نمیدهیم، همچنان که کسی به کانادا نمیگوید سرزمین مسیحیت نباید به ایران، پاکستان و یا حتی افغانستان گفت سرزمین اسلام. این یک اشتباه سیاسی بزرگ است که بعضاً به عمد میکنند تا بدین وسیله هر چه توسط دولتها، گروههای مذهبی و ارتجاعی در این کشورها صورت میگیرد را به مردم آن کشور ربط دهند و بدین وسیله از یکطرف وجدانهای خود را آسوده سازند و در مقابل فجایعی که در این کشورها صورت میگیرد سکوت کنند، و از طرف دیگر به این قدرتها و جنبشها حقانیت ببخشند. حتماً خیلی از شما شنیده اید که گویا زنان در ایران عاشق حجابند و این فرهنگ آنان است و گویا اسیدپاشی به آنان توسط باندهای سیاه متعلق به دولت هم فقط به خاطر یادآوری این فرهنگ به زنان خاطی صورت میگیرد.

اما این که ابعاد اجتماعی، فرهنگی و حقوقی این جنبش چیست و چه نقشی دارد؟ هیچ جنبش سیاسی نمیتواند بدون فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی خود را برای درازمدت زنده نگهدارد. اسلام سیاسی در این رابطه برای نفوذ در جامعه و توجیه خود به یک منبع عظیم ایدئولوژیک، تئوریک، حقوقی و اخلاقی متکی است که در قرآن، احادیث، روایات و اصول و قواعدی که آیت الله ها و مراجع تقلید در کتابهای خود تدوین کرده اند، آمده است. با آموزشهایی که در آن تنفر از مذاهب دیگر، تنفر از فرهنگ غربی به عنوان یک فرهنگ ضد خدا و فاسد، جنگیدن و شهید شدن برای امر خدا و رسیدن به بهشت، فرودستی زنان و کودکان، انعطاف نداشتن در مقابل هرگونه انتقاد، به قتل رساندن و مجازات کسانی که در ضدیت با آن باشند و غیره میتوان ارتش جنگاوری را در مقابله با هرگونه ترقی خواهی، آزادیخواهی و انساندوستی ایجاد کرد. در غرب با همین آموزشها و با چاشنی مظلوم نمایی و رفتن در پوشش دفاع از مردم محروم و سرکوب شده در فلسطین، عراق و غیره و سوار شدن بر موج نارضایتی و مقاومت مردم مهاجر از کشورهای اسلام زده که مواجه با تبعیض و راسیسم هستند برای فعالیتهای خود حقانیت میخرند و زمینه ی گتوهایی را که اساس اش بر مذهب قرار دارد فراهم می کنند تا منبع بازتولید و نیروگیری شان باشد.

اما این که چه رابطه ای است مابین این جنبش و تروریسم؟

همانطور که در یک مصاحبه هم گفتم تروریسم اسلامی شاخه نظامی اسلام سیاسی در خارج از حیطه نفوذ خویش میباشد. تروریسم در خارج از مناطق نفوذ این جنبش، برای به حساب آمدن است. برای این است که او را به عنوان یک قدرت ببینند و از آن وحشت داشته باشند. برای آن است که به غرب بگوید که از مناطق تحت نفوذ من دست بردار و مرا در خاورمیانه و افریقا به رسمیت بشناس و به عنوان یک الترناتیو حکومتی حمایت کن! و فکر میکنم از این سر قضیه تا حدودی هم موفق بوده اند! ببینید در افغانستان یک حکومت اسلامی چون طالبان را برداشتند ولی حکومت قومی و مذهبی

کرزای را برسر کار آورده اند. در عراق ببینید رژیم جنایتکار صدام را برداشته اند و يك حکومت قومي و مذهبي که ميتواند خود منشاء بیشترین کشتار و سرکوب در عراق گردد را به روي کار آورده اند. "توريسم در خارج از حيطه نفوذ" به دولتهای غرب ميگويد اگر اسلام سياسي را در کليت اش به عنوان يك الترناتیو نپذیرند وحشیهايي چون القاعده و ديگر تروريستها را به جانس خواهند انداخت. به غرب ميگویند بين بد و بدتر بايد انتخاب کند! البته اصلا منظورم اين نيست که گویا توافقاتي بين جريانات سياسي اسلامي رامتر و وحشي از پيش صورت گرفته تا در چنين نقشههايي بازي کنند!

اما چه رابطه ای است مابين اين جنبش سياسي و کوششهايي که جهت ايجاد دادگاههاي اسلامي در کانادا صورت ميگيرد؟ اين جنبش براي اين که بتواند به يك قدرت بدل شود بايد بتواند در زمينه هاي مختلف اجتماعي و فرهنگي بستري براي نفوذ خود بسازد. بايد با اعمال فشار به دولتها براي کسب درجه اي از خودگرداني در زمينه هاي اقتصادي، حقوقي، تحصيلي و.. بتوانند در سوخت و ساز اجتماعي جمعيتي نقش داشته و بدین طريق تسلط خود را اعمال کنند. جدا از اين که گرفتن حقي چون برپايي دادگاههاي اسلامي مدني يك کردیت بزرگ براي آنان محسوب ميشود. همچنين توجه داشته باشيم اين جنبش براي اعمال اراده خود در همه جا با حمله به دستاوردهايي مترقي و سکولار کار خود را آغاز ميکند. و همانطور که ميدانيد ايجاد چنين دادگاههايي در قدم اول يعني هدف قرار دادن حقوق زنان. اينها تحت پوشش آزادي مذهب در واقع آزادي زنان و دستاوردهاي مترقي آنان را در اينجا هدف قرار داده اند و اين مشخصه بارز اين جنبش است. در عين حال اين خود قدمي است در جهت گتوسازي و ايجاد محيطي که به بخشش گروههاي اسلامي واگذار ميشود. البته مقاومت ما و اعتراض ما به ايجاد دادگاههاي اسلامي صرفا به اين خاطر نيست که چون پشت اين جريان اهداف سياسي خوابيده است. خود شکل گيري اين چنين موسساتي در جامعه يعني تهديد سيستم قضايي سکولار، يعني تهديد حقوق زنان و کودکان که بر اساس نرمهاي جامعه به رسميت شناخته شده است. ببينيد اينها هيچ وقت نگفتند ما دادگاههاي شرعي را ميخواهيم براي اين که حقوق انساني شان زير پا گذاشته شده است، البته گفتند که حقوق مذهبي شان نادیده گرفته شده است، ولي هيچ وقت ادعا نکردند که "زنان مسلمان" به خاطر قوانين جاري جامعه حق شان ضايع شده است و غيره. همين خود کافي است تا ما را مجبور کند که آرام ننشينيم.

اما چه بايد کرد؟ من نميخواهم هيچ نسخه اي بپيچم ولي ميدانم که اساس حرکت ما چه بايد باشد که بيش از اين نگذاريم که انسان متحمل رنج و عذاب شود. امروز ما با جنبشي مواجه هستيم که براي انسان و حق حيات آن ارزشي قابل نيست. در مقابل ما بايد انسان و احترام به او را مرکز توجه خود قرار دهيم. وقتي ميگويم انسان منظور موجودي است که صرف نظر از مليت، نژاد، مذهب، جنسيت و عقايدش بايد براي او ارزش قابل شد و معيار را آزادي و رفاه و سعادت او دانست. به عنوان نمونه آزادي مذهب آنجا که انسان و حقوق اش را زير سنوال ميبرد بايد محدود گردد. همانطور که به هر نوع تعرض به خدمات اجتماعي، بيمه هاي درمانی و غيره بي توجه نيستيم بايد به دست درازي مذهب به امور قضايي، آموزش و پرورش و حقوق سکولار جامعه معترض باشيم. تاکيد بر جدايي مذهب از دولت همچنان بايد يك خواست اساسي ما باشد. بايد دولتها را مجبور کرد که انتيگراسيون جامعه را تشويق و ترغيب کند و هرگونه سياسي که موجب جدايي بين مردم بر اساس مليت، مذهب و فرهنگ ميشود را به کنار بگذارد. بايد پرچم يك قانون براي همه را بلند کرد و مانع آن شد که تحت عنوان احترام به فرهنگها، مردمی که خود قرباني فرهنگهاي ارتجاعي بودند يکبار ديگر به بخشش گروهها و دسته هاي مذهبي و قومي واگذار شوند. دفاع از حقوق جهانشمول انسان را بايد يك نرم ساخت و نه اصل نسبیت فرهنگي را. اصلي که انسان را به گروههاي فرهنگي تقسيم ميکند و به اين اعتبار براي آنان هويت ميترشد و

بهره بردن و لذت بردن آنها از دستاوردهای بشری را مشروط میکند.

در آخر همه را تشویق میکنم به کمپینهایی از نوع ما بپیوندند. تا بتوانیم يك مقاومت جدي و قدرتمند در مقابل تعرض به حقوق زنان و حقوق انسانها ایجاد کنیم، تا بتوانیم در قدم اول دولت انتاریو را مجبور سازیم که اصل حکمیت مذهبی را پس بگیرد و به قوانین سکولار وفادار بماند.

ساخته تتو ونگوگ، Submission پس از سخنرانی هما ارجمند، فیلم نویسنده فیلمنامه و تهیه کننده ایان هرسي علي، نمایش داده شد.

در این فیلم دختری با روبنده مشکی که فقط چشمهایش دیده میشود و لباس بلند حریر مشکی که بخش هایی از اندامش را هم نشان میدهد در حال گفت وگو با خداست. او ماجرای 4 زن را تعریف میکند و هر بار خود در نقش یکی از آن زنها درددل هایش را به خدا میگوید. دختری که به زور شوهرش دادند. دختری که عاشق پسری شده ولی از مجازات خانواده در امان نمانده. دختری که توسط برادرش به او تجاوز شده و حالا او مجرم خوانده میشود و ...

پس از فیلم مجددا برنامه پرسش و پاسخ و این بار با هر سه سخنران کنفرانس بود ولی از آنجا که وقت برنامه کوتاه بود برای این بخش بیش از نیم ساعت فرصت باقی نماند.

یکی از پرسش کنندگان جوانی ایرانی و دانشجو بود که از موضع موافق با برپایی دادگاه های شریعه در انتاریو سخن گفت. او خطاب به خانم ارجمند با ذکر مثالی گفت: اگر به من و خواهرم ارثی رسیده و ما به عنوان دو آدم بالغ میخواهیم برویم به این حکمیت اسلامی و نحوه تقسیم آن را بدانیم، شما چرا برای ما تصمیم میگیرید؟ در اینجا چندین نفر آماده پاسخگویی شدند. گرداننده جلسه آقای ارني انولا اجازه خواست پاسخ دهد و خیلی کوتاه گفت: برای اینکه ما در کانادا قانون داریم. و در ادامه خانم ارجمند پاسخ داد که هرچا قرار شود حقوق زنان نادیده گرفته شود ما مخالف آن هستیم.

آخرین پرسش از ایان هرسي علي بود. سؤال شد: کشته شدن تتو ونگوگ چه تأثیری بر شما گذاشت؟ در پایان فیلم نوشته اید بخش اول آیا هنوز هم بعد از این حادثه خیال دارید بخش های بعدی را بسازید و ادامه دهید؟

هرسي علي گفت: قتل تتو روی من و کشورم بسیار تأثیر گذاشت ولی من نمیخواهم با کنار کشیدن نشان دهم که خشونت میتواند بازدارنده باشد. نه من و نه هلند به این باور نداریم و من ادامه خواهم داد.

هرسي علي به این نکته نیز اشاره کرد که حضورش در تورنتو و در این کنفرانس برای حمایت از اقدامات هما ارجمند است. هر سه زن سخنران در پایان تأکید کردند که متحداً به مبارزه علیه برپایی دادگاه های شریعه در کانادا و در جهان ادامه خواهند داد.

📌 کنید برای دریافت لینک دائم به این مطلب اینجا را کلیک

📧 پیشنهاد به يك دوست

🖨 نسخه قابل چاپ